

در دل بحران غزه، جایی که بیش از ۶۵ هزار فلسطینی جان باخته و قحطی گسترده‌ای بر ۲ میلیون نفر سایه افکنده، به رسمیت شناختن دولت فلسطین توسط کشورهای اروپایی نه تنها یک گام نمادین، بلکه پاسخی به بن بست دیپلماتیک است. از زمان حمله حماس در ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ و پاسخ نظامی اسرائیل، که به تخریب ۸۰ درصد زیرساخت های غزه منجر شد، فشارهای داخلی و بین المللی بر اروپا افزایش یافته است. شناسایی فلسطین، که در چارچوب تشکیل کشور فلسطینی در سرزمین های اشغال شده در سال ۱۹۴۷ با پایتختی قدس شرقی تعریف می شود، تا حد زیادی ریشه در اصول حقوق بین الملل مانند قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت (۱۹۶۷) و منشور سازمان ملل (ماده ۱، حق تعیین سرنوشت) دارد. این اقدام، که از سوی ۱۵۶ کشور (۸۰ درصد اعضای سازمان ملل) حمایت می شود، پاسخی به «ناکامی مذاکرات اسلو» از ۲۰۱۴ است و تلاشی برای حفظ رژیم حقوقی منع اشاعه تنش های منطقه‌ای ارزیابی می شود.

◀ **چرایی رفتار اروپایی ها**

شناخت فلسطین توسط کشورهای اروپایی در ۲۰۲۵، ریشه در خشم رو به رشد از جنگ غزه و ناکامی دیپلماسی ایالات متحده دارد. امانوئل مکرון، رئیس جمهور فرانسه، در بیانیه ۲۴ ژوئیه ۲۰۲۵ در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «مردم فرانسه صلح در خاورمیانه را می خواهند؛ ما با اسرائیلی ها، فلسطینی ها و شرکای اروپایی و بین المللی، باید نشان دهیم که این ممکن است» مکرון، که فرانسه را به عنوان اولین عضو دائم شورای امنیت و G۷ در شناخت فلسطین قرار داد، این گام را پاسخی به «رنج غیرقابل دفاع در غزه» توصیف کرد، جایی که گزارش سازمان ملل در سپتامبر ۲۰۲۵ از «جنایت علیه بشریت» خبر داده بود. این در حالی است که کی یر استازمر، نخست وزیر بریتانیا، در سخنرانی در لندن اظهار داشت: «در برابر وحشت های رو به رشد خاورمیانه، ما برای حفظ امکان صلح و راه حل دو دولت عمل می کنیم؛ این به معنای اسرائیل امن و فلسطین قابل دوام است، که اکنون هیچ کدام وجود ندارد». استازمر، که شناخت را مشروط به «اصلاحات فلسطینی و آزادی گروگان ها» کرد، بر «حق تعیین سرنوشت فلسطینی ها» تأکید کرد، که با اصول منشور سازمان ملل همخوانی دارد. مارک کارنی، نخست وزیر کانادا نیز گفت: «شناخت فلسطین، شرکت ما در ساخت آینده صلح آمیز است؛ این یادایی به حماس نیست، بلکه تضمینی برای همزیستی مسالمت آمیز است». در بلژیک هم، الکساندر دو وور، نخست وزیر، در اجلاس سازمان ملل اظهار داشت: «بلژیک سیگنال سیاسی قوی می دهد؛ شناخت فلسطین، پس از آزادی گروگان ها و خلع سلاح حماس، پیش می رود».

◀ **تأثیر بر راه حل دو دولت**

در نتیجه موضوع اروپایی ها را می توان به دو دسته تأکید بر راه حل دو دولت و فشار بر اسرائیل تقسیم کرد، که بر حفظ صلح پایدار و توقف خشونت تمرکز دارد. مکررون در اجلاس ۲۲ سپتامبر ۲۰۲۵ در سازمان ملل گفت: «ما باید چشم همپایان را باز کنیم و چهره های انسانی را ببینیم که جنگ ماسک دشمن را بر چهره شان زده؛ فرانسه فلسطین را به رسمیت می شناسد». مکرون که کنفرانس فرانسوی - عربی ژوئیه ۲۰۲۵ را رهبری کرد، شناخت را «گامی برای امنیت اسرائیل و فلسطین» خواند و پیشنهاد نیروی تثبیت بین المللی در غزه را داد. استازمر اظهار داشت: «شناخت فلسطین، بخشی از بسته کلی است که ما را از وضعیت وحشتناک فعلی خارج می کند؛ حماس هیچ نقشی در دولت ندارد». این موضع از آنجا اهمیت دارد که شناخت، از «اولین گام برای اجرای دو دولت» می داند. در همین حال، رانگل در برتغال تأکید کرد: «دو دولت تنها راه صلح عادلانه است؛ حماس نمی تواند در غزه کنترل داشته باشد» این دسته، بر اساس گزارش بروکنگز، «فشار بر نتانیاهو برای توقف الحاق کرانه باختری» را هدف دارد، که گاردین آن را «انزوای اسرائیل» می خواند. دسته دوم موضوع، «مشروط به اصلاحات فلسطینی و خلع سلاح حماس» است، که شناخت را به تغییرات داخلی فلسطین وابسته می کند. بارت دو وور، نخست وزیر بلژیک، گفته: «شناخت فلسطین، پس از آزادی همه گروگان ها و حذف حماس از حکومت؛ دولت فلسطین باید بدون سلاح باشد» این شرط، با بیانیه موناکو همخوانی دارد؛ ایما تور فوس، وزیر خارجه آندورا (به نمایندگی موناکو)، اظهار داشت: «فلسطین باید غیرنظامی و تحت اقتدار اصلاح شده بدون حماس باشد» این دسته از کشورها، «تعادل بین حمایت از فلسطین و امنیت اسرائیل» را نشان می دهد، که بروکنگز آن را «ریسک انزوای اروپا در برابر ایالات متحده» می خواند. اندیشکده کارنگی هم تأکید می کند این شروط، «اعتبار شناخت را حفظ می کنند اما دیپلماسی را پیچیده می سازند»، اما دسته سوم، «حمایت از دیپلماسی چند جانبه و فشار بر ایالات متحده» است، که شناخت را ابزاری برای مقابله با انفعال واشنگتن می بیند. مکررون در کنفرانس ۲۲ سپتامبر گفت: «شناخت فلسطین، حق است نه پاداش و انکار آن، هدیه به افراطیون است». مکررون که با عربستان سعودی کنفرانس را برگزار کرد، پیشنهاد «نیروی تثبیت بین المللی» داد. این دسته، بر اساس گزارش کارنگی، «چندقطبی سازی دیپلماسی» را هدف دارد، که در مجموع، «پاسخ به انفعال ترامپ» ارزیابی می شود. این در حالی است که اندیشکده بروکنگز هشدار می دهد این فشار، «ریسک الحاق کرانه باختری توسط نتانیاهو» را افزایش می دهد.

◀ **هدف اروپایی ها**

در تحلیل نهایی، اهداف اروپا از شناخت فلسطین در ۲۰۲۵، چندلایه و استراتژیک است: اول، احیای دیپلماسی و حفظ «دو دولت» در برابر الحاق اسرائیل، چراکه یک مکررون گفته: «شناخت، برای صلح عادلانه ضروری است؛ ما با شرکا، جایگزینی برای بن بست نشان می دهیم». دوم، مدیریت فشارهای داخلی و اعتراضات، آنچنان که استازمر گفته، با اعتراضات گسترده در لندن (بیش از ۱۰۰ هزار نفر در سپتامبر ۲۰۲۵)، شناخت را «پاسخ به وحشت های غزه» خواند و بروکنگز نیز تأکید می کند این هدف، «تعديل راست افراطی» است، که در بلژیک (بحران دولتی بر سر شناخت) مشهود است. سوم، مقابله با انزوای دیپلماتیک ایالات متحده که کارنی در تأیید آن گفته: «شناخت، اجماع جهانی را تقویت می کند.

غلامرضا انصاری در گفت وگو با «آرمان ملی»:

احتمال درگیری های دومینووار در منطقه



مکانیسم ماشه خطر بروز جنگ را تشدید کرده است

جنگ تمام عیار بعید اما غیر قابل انتظار نیست

تبدیل شعار به راهبرد اصلی سیاست خارجی خطرناک و مخرب است



آرمان ملی - احسان انصاری: مکانیسم ماشه چه پیامدهای امنیتی، اجتماعی و اقتصادی به همراه خواهد داشت؟ چرا پس از فعال شدن مکانیسم ماشه تهدیدهای نظامی علیه ایران افزایش پیدا کرده است؟ چشم انداز پیش روی کشور همراه با چه بیم و امیدهایی است؟ «آرمان ملی» برای پاسخ به این سوالات و تحلیل چشم انداز پیش روی کشور با دکتر غلامرضا انصاری سفیر پیشین ایران در ترکمنستان و فعال سیاسی اصلاح طلب گفت وگو کرده است. انصاری در این زمینه معتقد است: «در صحنه‌ای با چند بازیگر مانند رژیم صهیونیستی، ایران، گروه‌های نیابتی، قدرت‌های منطقه‌ای و فرانطقه‌ای هر شکار هدفی یا پاسخی می‌تواند به سرعت وارد مرحله برخورد مستقیم شود. به خصوص اگر یکی از طرف‌ها

◀ **مهم ترین پیامدهای فعال شدن مکانیسم ماشه چیست؟** مکانیسم ماشه که در قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت برای بازگرداندن سریع تحریم‌های پیشین علیه ایران پیش بینی شده و در شرایط کنونی فعال شده برای ایران آثار زیان باری دارد که هم در بعد اقتصادی و هم در بعد امنیتی و سیاسی قابل توجه‌اند. فعال سازی مکانیسم ماشه بی ثباتی قانونی و سیاسی ایجاد می‌کند و شرکت‌ها و بانک‌های خارجی را از تعامل با ایران بازمی‌دارد. این اتفاق سرمایه‌گذاری، صادرات نفت و جریان‌های مالی را کاهش می‌دهد و فشارهای تومری و کاهش درآمدهای ارزی را تشدید می‌کند. از سوی دیگر استفاده از ماشه پیامد نمدین قوی‌ای دارد و نشان دهنده شکست یا بی ثباتی فرآیند توافق است و اعتماد تهران به طرف‌های غربی را کاهش می‌دهد. نتیجه عملی آن دشوارتر شدن باگشت به میز مذاکره و خواست ایران برای ضمانت‌های حقوقی بیشتر خواهد بود. همچنین تحریم‌های باگشتی می‌تواند تهران را به گام‌های تلافی‌جویانه از جمله تشدید فعالیت‌های هسته‌ای، کاهش همکاری با سازمان امنیت و تقویت همکاری‌های نظامی با شرکای غیرغربی وا دارد. این واکنش هاریسک بسط بحران منطقه‌ای و مسابقه تسلیحات را افزایش می‌دهد. باگشت تحریم‌ها بار سنگینی بر بودجه دولت، واردات دارو و تجهیزات پزشکی و قدرت خرید مردم وارد می‌کند و در بلندمدت منجر به تشدید بیکاری، فقر و نارضایتی اجتماعی می‌شود. مسایلی که هزینه بازسازی اجتماعی و سیاسی بسیار بالاتری نسبت به هر امتیاز کوتاه مدت دارد. احتمال واکنش ایران با گرایش بیشتر به چین و روسیه یا تکان بر پیمان‌های منطقه‌ای وجود دارد. این جهت‌گیری می‌تواند استقلال سیاست خارجی ایران را کاهش دهد و در عین حال بازارها و اهرم‌های بازار جهانی را کمتر در اختیار تهران قرار دهد. مکانیسم ماشه بیش از آنکه صرفاً یک ابزار حقوقی باشد یک عامل هشدار دهنده و بی ثبات کننده در آرایش سیاسی و اقتصادی است. در شرایط کنونی فعال شدن آن می‌تواند منجر به خود تحریمی مؤثر، تشدید رقابت تسلیحاتی و بسته شدن درهای مذاکرات دیپلماتیک شود.

◀ **فعال شدن مکانیسم ماشه با واکنش‌های گسترده اجتماعی همراه بوده است. به نظر شما واکنش اجتماعی مردم نسبت به این اتفاق چه خواهد بود؟**

با فعال شدن اسنپ یک تحریم‌های بین المللی دوباره اعمال می‌شوند که تبعاتی مانند فشار اقتصادی، افزایش قیمت‌ها، بیکاری، کاهش درآمد، تضعیف ارزش پول ملی، مهاجرت نخبگان، افزایش استرس و اضطراب عمومی، کاهش امید اجتماعی را به دنبال دارد که امنیت اجتماعی و سیاسی را تضعیف می‌کند. به همین دلیل افزایش تاب‌آوری اقتصادی مردم باید در دستور کار قرار بگیرد. همچنین حمایت از اقشار آسیب پذیر با بسته‌های معیشتی، کنترل قاطعانه قیمت کالاهای اساسی، تقویت تولید داخلی برای کاهش وابستگی به خارج، تقویت ارتباط دولت با مردم، شفاف سازی در مورد شرایط آینده، افزایش گفت وگو و سیاسی و اجتماعی برای کاستن از اضطراب جمعی و اعتماد سازی از طریق پاسخگویی و صداقت در سیاست گذاری باید در دستور کار قرار بگیرد. نکته دیگر اینکه ما باید در شرایط کنونی به سمت حفظ انسجام سیاسی، اجتماعی و کاهش دوقطبی‌ها حرکت کنیم. در این زمینه نیز پرهیز از استفاده از ادبیات تهدید و تخریب داخلی، ترویج وحدت ملی و هویت مشترک، توجه به اقلیت‌ها و گروه‌های آسیب پذیر، حذف بودجه دستگاه‌های موازی و بی خاصیت، دریافت مالیات از تمامی دستگاه‌ها و نهادهائی که فعالیت اقتصادی داشته و تاکنون از معافیت برخوردار بوده‌اند از

رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس با اشاره به همنمودهای رهبر معظم انقلاب در دیدار با اعضای هیأت دولت اظهار داشت: مقام معظم رهبری در دیدار اخیرشان با رئیس جمهور محترم و اعضای هیئت دولت درباره موضوع ضرورت بازسازی اقتصاد، دولت فرمودند که مسئله سبک کردن بدنه دولت، یعنی کاستن از برخی از دستگاه‌هایی که وجود و عدم وجودشان یکسان است یا شبیه یکسان است یا کاستن از تعداد کارمندان یک مجموعه، یک ویژگی زرتخانه، یک موسسه اینها کارهای مهمی است. کارهای سختی هم هست. لکن امروز همدلی وجود دارد و می‌شود این کارها را کرد. باید نگاهداری با اشاره به این بیانات ادامه داد: عبارت ایشان اگر نگوئیم بی سابقه، قطعاً با چنین عبارتی و چنین صراحتی کم سابقه بوده و این نشان از راهبردی بودن این مسئله مهم برای کشور و مجموعه قوای حاکمیتی نظام دارد. رییس مرکز پژوهش‌های مجلس با بیان اینکه آنچه در

بیشتر تحرک کند. این همزمانی فشار دیپلماتیک، قانونی و عملیاتی نظامی می‌تواند بستر تشدید درگیری باشد. در صحنه‌ای با چند بازیگر مانند رژیم صهیونیستی، ایران، گروه‌های نیابتی، قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای هر شکار هدفی یا پاسخی می‌تواند به سرعت وارد مرحله برخورد مستقیم شود. به خصوص اگر یکی از طرف‌ها پاسخ بازدارنده محکم را لازم بداند. این سناریوها معمولاً با اطلاع رسانی ناقص، اشتباهات هدف‌گیری یا واکنش‌های همزمان تشدید می‌شوند. واقعیت این است که در شرایط کنونی احتمال برخورد مستقیم بین ایران و اسرائیل در حال حاضر افزایش یافته اما نه قطعی و نه لازم الاجرا. سناریوهای محتمل شامل برخورد های موشکی، دریائی محدود، عملیات هکری یا حملات نیابتی است. در واقع جنگ تمام عیار بعید اما غیر قابل انتظار نیست اگر اشتباه محاسباتی بزرگ یا حادثه‌ای با تلفات گسترده رخ دهد. همچنین فعال سازی اسنپ یک می‌تواند انگیزه تهران برای واکنش‌هایی فراتر از عرصه سیاسی را تشدید کند». در ادامه محصل این گفت وگو را می‌خوانید.

جمله نکاتی است که باید به آن توجه کرد. نکته دیگر اینکه استفاده از ظرفیت دیپلماسی برای دورزدن تحریم‌ها یا کاهش اثر آنها و تعامل با کشورهای همسو برای تقویت مبادلات اقتصادی و انسانی نیز حائز اهمیت است. مشارکت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مردم باعث احساس تعلق می‌شود و به همین دلیل در شرایط تحریمی همراهی مردم مهم‌ترین عامل پایداری جامعه است.

◀ **پس از فعال شدن مکانیسم ماشه تهدیدهای نظامی علیه ایران افزایش پیدا کرده است. به چه میزان این تهدیدات را جدی می‌دانید؟**

این احتمال قطعی نیست اما چند مسیر مشخص وجود دارد که می‌تواند به درگیری بینجامد که بازگرداندن تحریم‌های سازمان ملل یکی از عوامل تشدید کننده است. حملات هدف دار علیه مراکز مرتبط با گروه‌های مورد حمایت ایران مانند حماس، حزب‌ا...، و غیره می‌تواند تهران را به پاسخ مستقیم با تقویت عملیات نیابتی ترغیب کند. این پاسخ ممکن است محدود و انتخابی باشد اما می‌تواند به تقابل مستقیم با نیروها یا کشتی‌ها منتهی شود. از سوی دیگر زمانی که حملات در چند کشور مانند لبنان، یمن، قطر و... به صورت هم زمان یا پیاپی رخ می‌دهد احتمال اثر دومینو افزایش می‌یابد. در چنین شرایطی هر کشور با گروهی که خود را تهدید شده

ببیند ممکن است واکنش نشان دهد و نقش ایران چه مستقیم و چه از طریق شبکه‌های نیابتی پررنگ‌تر شود. این الگوریسک اشتباه محاسبه را بالا می‌برد. من فکر می‌کنم تلاش کشورهای اروپایی برای فعال سازی اسنپ یک و بازگرداندن تحریم‌های سازمان ملل، تهران را در موضع حساس تری قرار داده است.

◀ **در چنین شرایطی ایران ممکن است چه واکنشی از خود نشان بدهد؟**

در وضعیتی که مکانیسم ماشه فعال شده، ایران ممکن است همزمان بخواهد ظرفیت‌های بازدارنده نظامی و موشکی خود را آشکارتر سازد یا واکنش‌هائی انجام دهد که طرف مقابل را به تهاجم

◀ **در شرایط کنونی وظیفه دستگاه دیپلماسی به صورت بنیادی فراهم سازی مقدمات گفت وگو، کاهش تنش، تحکیم منافع ملی از طریق کانال‌های مسالمت آمیز و نمایاندن راهکارهای سیاسی و حقوقی است**

بیشتر تحرک کند. این همزمانی فشار دیپلماتیک، قانونی و عملیاتی نظامی می‌تواند بستر تشدید درگیری باشد. در صحنه‌ای با چند بازیگر مانند رژیم صهیونیستی، ایران، گروه‌های نیابتی، قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای هر شکار هدفی یا پاسخی می‌تواند به سرعت وارد مرحله برخورد مستقیم شود. به خصوص اگر یکی از طرف‌ها پاسخ بازدارنده محکم را لازم بداند. این سناریوها معمولاً با اطلاع رسانی ناقص، اشتباهات هدف‌گیری یا واکنش‌های همزمان تشدید می‌شوند. واقعیت این است که در شرایط کنونی احتمال برخورد مستقیم بین ایران و اسرائیل در حال حاضر افزایش یافته اما نه قطعی و نه لازم الاجرا. سناریوهای محتمل شامل برخورد های موشکی، دریائی محدود، عملیات هکری یا حملات نیابتی است. در واقع جنگ تمام عیار بعید اما غیر قابل انتظار نیست اگر اشتباه محاسباتی بزرگ یا حادثه‌ای با تلفات گسترده رخ دهد. همچنین فعال سازی اسنپ یک می‌تواند انگیزه تهران برای واکنش‌هایی فراتر از عرصه سیاسی را تشدید کند. اعلام رسمی یا غیررسمی تهران درباره پاسخ به حملات تهدید به پاسخ مستقیم با فعال سازی شبکه‌های نیابتی، افزایش حملات نقطه‌ای به شناورها در خلیج فارس یا دریای سرخ و تلفات یا خسارت به نیروهای غیر ایرانی، تشدید فعالیت‌های هوایی یا موشکی علیه اهداف داخل ایران یا پایگاه‌های نیابتی در لبنان، سوریه و یمن، نکته مهم اینکه فعال سازی مکانیسم ماشه سیاست خارجی مرتبط با ایران را تنها جمی‌تر کرده است. به همین دلیل نیز تقویت هشدار منطقه‌ای و تبادل سریع اطلاعات میان متحان برای کاهش خطاهای هدف‌گیری، آماده سازی برنامه‌های مدیریت بحران و مسیره‌ای دیپلماتیک احتیاطی مانند کانال‌های پنهانی و میانجیان پیش از آنکه تنش‌ها از کنترل خارج شوند، پایش دیپلماسی مرتبط با اسنپ یک و آماده سازی تحلیل سناریوهای اقتصادی و امنیتی و تقویت تلاش‌های دیپلماتیک برای کاهش فوری تشنج و اجتناب از اقدامات یک جانبه‌ای که هزینه‌گسترش جنگ را افزایش می‌دهد باید در دستور کار قرار بگیرد.

◀ **آیا چشم انداز پیش رو در نهایت به تقابل نظامی منجر خواهد شد؟**

جنگ بیش از هر چیز پدیده‌ای است که هزینه‌های انسانی، اقتصادی و معنوی عظیمی به جامعه وارد می‌سازد. هیچ هدف سیاسی در کوتاه مدت با ضررهای جانی و تخریب زیرساخت‌ها و تضعیف سرمایه اجتماعی قابل توجیه نیست. تجربه تاریخی و درس‌های دیپلماسی نشان می‌دهد که قریب به اتفاق جنگ‌ها به واسطه مذاکره، آتش‌بس، پیمان‌های صلح یا ترتیبات سیاسی پایان یافته‌اند. حتی وقتی نتیجه نظامی تعیین کننده به نظر می‌رسد، حفظ و تثبیت دستاوردها بدون راه حل‌های سیاسی و توافق‌های نهایی تقریباً ناممکن است. در شرایط کنونی وظیفه دستگاه دیپلماسی به صورت بنیادی فراهم سازی مقدمات گفت‌وگو، کاهش تنش، تحکیم منافع ملی از طریق کانال‌های مسالمت آمیز و نمایاندن راهکارهای سیاسی و حقوقی است. نمایش قدرت زمانی که به گونه‌ای مسئولانه و هماهنگ با سیاست کلان کشور انجام شود می‌تواند در تقویت موضع مذاکره موثر باشد اما تبدیل شعار به راهبرد اصلی سیاست خارجی خطرناک و مخرب است. دیپلماسی هوشمند به ویژه در محیط‌های منطقه‌ای پیچیده نیازمند زبان دقیق، صبر راهبردی و فراهم کردن ابزارهای حقوقی و سازوکارهای اعتماد سازی است. من معتقدم از منظر سیاست ورزی خردمندانة و عمل گرایانه یابستی همواره بر اکران گفت‌وگو، حل و فصل سیاسی و جلوگیری از تشدید تنش‌ها تأکید شود.

بابک نگاهداری خبر داد:

تدوین نقشه راه چابک سازی دولت توسط مرکز پژوهش های مجلس

به مجوزهای استخدامی باید نسبت مشخصی با روند بازنشتگی کارکنان دولت داشته باشد. از سوی دیگر توجه به ارتقای بهره‌وری منابع انسانی دولت در عین کنترل تعداد کارکنان اهمیت بسزایی دارد. وی پس از توضیح پنج رکن مورد نیاز برای چابک سازی دولت، در جمع بندی سخنان خود گفت: نکته حائز اهمیت آن است که فقدان یکپارچگی و انسجام راهبردی میان این پنج حوزه و پیش بردن هر کدام به صورت جداگانه، عدم موفقیت در طرح کلان چابک سازی ساختار دولت را به دنبال خواهد داشت. وی اضافه کرد: بدین منظور یک پیشنهاد مهم، تدوین «نقشه راه یکپارچه چابک سازی دولت» است که همزمان ابعاد پنج گانه فوق را شامل شود. این موضوع می‌تواند در صورتیکه کمیته مشترک مجلس و دولت در این باره باشد، دفتر مطالعات مدیریت مرکز پژوهش‌های مجلس نسخه‌ای از این نقشه راه را تنظیم کرده و همزمان به مجلس و دولت محترم تقدیم نموده است.

یادداشت

چابهار در بازی بزرگ

یاسین کریمیان

کارشناس مطالعات منطقه‌ای شرق آسیا

وزارت امور خارجه ایالات متحده در بیانیه مطبوعاتی اخیر خود با موضوع اعمال فشارهای حداکثری بر ایران از لغو معافیت تحریم چابهار سخن گفته است. چرایی علاقه‌مندی هند به چابهار را می‌توان در مسائل مهم سیاست خارجی هند و افغانستان دانست. چابهار نزدیک‌ترین راه دسترسی افغانستان به آب‌های آزاد است. برای سالیان متوالی بندر کراچی بارانداز تجارت افغانستان بوده که این مسئله سبب وابستگی اقتصاد نیمه جنوبی افغانستان به پاکستان شده است. بندر چابهار اما جایگزین مناسبی برای این مسیر است و از وابستگی افغانستان به پاکستان بکاهد. علاقمندی افغانستان به استفاده از بندر چابهار ارتباط مستقیمی با دولت مستقر ندارد. چه در دوران جمهوری که توافقنامه سه جانبه چابهار به امضا رسید و چه از زمان بازگشت طالبان به قدرت، همواره تجار و مسئولین افغانستان به استفاده از بندر چابهار نظر داشته‌اند و در بازدیدهای خود به اهمیت این بندر در روابط تجاری خود اشاره کرده‌اند. به‌طور خلاصه می‌توان گفت که هدف هند از تلاش برای حضور در چابهار از سال ۲۰۰۳ در راستای مسأله منطقه‌ای خود با پاکستان بود که نیاز به حضور در افغانستان دوران جمهوری این مسئله برای هند در اولویت قرار داده بود. اما با معرفی ابتکار پهنه و راه در سال ۲۰۱۳ از سوی چین و پیوستن پاکستان به این ابتکار و تعریف پروژه‌های جدید دو جانبه ذیل این ابتکار، چالش رابطه پاکستان و چین را برای هند وارد مرحله جدیدی کرد. نقطه کلیدی ابتکار پهنه و راه در پاکستان که به نام کریدور اقتصادی پاکستان و چین (CPEC) معرفی شده در شهر گوادر است. این شهر در نزدیکی مرز ایران (۷۰ کیلومتر مرز، کمتر از ۳۰۰ کیلومتری چابهار) قرار دارد و بنا است تبدیل به بندر اقیانوسی بزرگی بشود. سابقه این بندر یادداشت پیشین ذکر شده است. موافقتنامه چابهار را می‌توان اشتراک منافع هند و افغانستان در چابهار با هدف گسترش روابط خود در برابر پاکستان همزمان با فضای سیاست خارجی ایران پس‌برجام دانست. جایی که ایران نیز در بخش ابتکارات منطقه‌ای، خود را بل اتصال هند و افغانستان تعریف کرد. در سال ۱۳۹۶ فاز اول توسعه بندر شهید بهشتی چابهار با رتقا ظرفیت از ۵.۱ میلیون تن به ۵.۸ میلیون تن در ۵ ساله باری (۳ فله، ۲ کانتنتری)، یک اسکله RO-RO و یک اسکله نفتی را باقی‌ت. از سال ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۴ براساس آمار سازمان بنادر، عملکرد بندر شهید بهشتی حدود ۴ میلیون تن بوده که حدود یک میلیون تن آن مشتقات نفتی است. تمام هزینه توسعه این بندر از منابع مالی داخلی بوده است و از سرمایه‌گذاری خارجی استفاده نشد. بر اساس موافقتنامه چابهار، طرف هندی برای سرمایه‌گذاری در بندر چابهار یک خط اعتباری ۱۵۰ میلیون دلاری را از طریق اگزیم بانک اختصاص داد که امکان افزایش این میزان تا ۵۰۰ میلیون دلار نیز وجود دارد. هم‌چنین طرف هندی با بهسازی و ساخت برزره‌ها دلار- رنج در خاک افغانستان که به مرز میک در شمال استان سیستان و بلوچستان منتهی می‌شد نیز بخشی از مسیر زمینی خود را هموار کرده بودند و تمایل داشتند که در پروژه ریلی چابهار- زاهدان نیز سرمایه‌گذاری کنند. سرمایه‌گذاری طرف هندی توسط شرکت متعلق به وزارت بنادر، کشتیرانی و آبراهه‌ها انجام شد. در سه شنبه ۲۵ شهریور ۱۴۰۴، وزارت امور خارجه ایالات متحده در بیانیه‌ای مطبوعاتی که اشاره به تحریم‌های جدید علیه افراد و نهادهای جدید که دروزنن تحریم‌ها مشارکت داشتند به موضوع چابهار نیز می‌پردازد و بیان می‌کند که: لغو استثنای IFCA؛ علاوه بر این، وزیر امور خارجه در راستای سیاست فشار حداکثری رئیس جمهور ترامپ برای منزوی کردن رژیم ایران، استثنای تحریم‌هایی را که در سال ۲۰۱۸ تحت قانون آزادی و مقابله باگسترش سلاح‌های هسته‌ای ایران (IFCA) برای کمک به بازسازی و توسعه اقتصادی افغانستان صادر شده بود، از ۲۹ سپتامبر ۲۰۲۵ لغو کرده است. پس از اجرایی شدن این لغو، افرادی که بندر چابهار را اداره می‌کنند یا در سایر فعالیت‌های خاص از جمله شرکت دارند، ممکن است خود را در معرض تحریم‌های IFCA قرار دهند. بندر چابهار که به عنوان تنها بندر اقیانوسی ایران شناخته می‌شود، در طول چند سال گذشته همواره به عنوان نقطه‌ای معاف از تحریم‌های ایالات متحده معرفی شده است درحالی‌که روند فعلی از اوایل دهه ۹۰ که تلاش هند برای دست‌یافتن به این پرتوی بندر چابهار افزایش یافت تا امروز و پس از تمدید قرارداد ایزرآونوی به مدت ۱۰ سال در دولت سیزدهم شاهد تغییرات منحصر به فردی نبوده است. چابهار دیگر جذابیت ده سال گذشته را برای هند ندارد؛ زیرا که دشمن دیرینه هند یعنی پاکستان به شدت درگیر تنش‌های داخلی است. پروژه توسعه بندر گوادر با مشارکت طرف چینی موفقیت چندانی نداشته است. در حال حاضر تهدید خاصی از سوی منطقه کشمیر احساس نمی‌شود. اما تلاش هند برای بقا در چابهار چند دستاورد مهم دارد:

۱- زنده نگه داشتن موضوع مشترک با ایران، آسیای میانه و افغانستان.
۲- موازنه با طرف پاکستان با حضور در بندر چابهار (فاصله اندک تا مرز پاکستان).